



گفتگو



# مزاری شهید عدالت است

مصاحبه با استاد علی امیری در مورد کثرت گرایی سیاسی

مثابه یک طرح مدنظر شهید وحدت ملی بوده و ایشان در واقع آن را میکانیزم تطبیقی عدالت اجتماعی در جامعه می دانست. مزاری بارها تأکید کرده است که افغانستان یک واقعیت متکثر است و تنها با احترام به این تکثر می توان آینده روشن و مسالمت آمیز داشت. نکته دیگر مورد توجه او «عدالت اجتماعی» بود. این بدان معنا است که او احترام به تکثر را ضامن ایجاد عدالت در جامعه می دید.

**بناویش:** الگوی مشارکت سیاسی از دیدگاه شهید مزاری چه بود، خواست های سیاسی ایشان در راستای مشارکت چه اندازه معقول بود؟

علی امیری: مشارکت سیاسی در مقام نظر مبتنی بر حق شهروندی است و این که استاد مزاری از مشارکت مردم

**بناویش:** جایگاه گفتمان کثرت گرایی سیاسی در اندیشه مزاری چیست؛ آیا شهید مزاری دغدغه چنین مسئله ای را داشت؟

علی امیری: از کثرت گرایی می توان دو گونه بحث کرد. یک وقت کثرت گرایی را چونان نظریه در نظر می گیریم که مبتنی بر نوعی مبنای فلسفی است. معمولاً نسبی گرایی معرفت شناختی را شالوده نظریه تکثر می دانند. این معنی از کثرت گرایی مدنظر شهید وحدت ملی نبوده است؛ اما یک زمان کثرت گرایی همچون یک طرح در نظر است. این زمانی است که شما عملاً و بالفعل با امر متکثر در جامعه روبه رو هستید؛ اما ساختار سیاسی به این تکثر بالفعل نه تنها احترام قائل نیست، که در صدد استیلای یک دیدگاه و حذف دیگر واقعیت ها و دیدگاه ها است. کثرت گرایی به

دارد. در میان رهبران معاصر کسی که این بحران را به جد درک کرد، مزاری بود. او گفت که راه حل این است که دولت نیز مانند جامعه نمایندهٔ تکثر و چندگانگی باشد. متأسفانه طرح توسعهٔ قاعدهٔ اجتماعی حکومت، در بطن فرهنگ آکنده از انحصار و دیگرناپذیری، گوش شنوایی پیدا نکرد؛ اما با تکامل تجربهٔ تاریخی مردم افغانستان، اکنون قاطبهٔ مردم افغانستان درک می‌کنند که این طرح بی‌بدیل است. اقوام را نمی‌توان نادیده گرفت، باید به آن‌ها احترام کرد و واقعیت آن را قبول کرد.

### پنجاه و نهمین: با توجه به اندیشه‌های مزاری و شرایط امروز پیام شما به مردم و رهروان مزاری چیست؟

علی امیری: مزاری برای تأمین عدالت اجتماعی در یک افغانستان واحد و متحد مبارزه کرده است. سازوکارهای اجرایی آن را هم مشارکت و رقابت و توزیع برابر فرصت‌ها و امکانات می‌دانست. کار و فعالیت در راستای این هدف، خدمت به آرمان مزاری است. مزاری شهید عدالت است. هر اقدامی که در راستای عدالت نباشد، ضد اندیشه و آرمان شهید مزاری است. هر نوع کار و ابتکاری که به تعمیم عدالت منجر شود، کوششی در راستای هدف مزاری محسوب است. عرض من به طور خاص به رهروان رهبر شهید مزاری این است که سرباز عدالت بودن، کار آسانی نیست. هم آمادگی فنی و علمی لازم دارد و هم شهامت اخلاقی و معنوی بسیار می‌خواهد. هرکسی که می‌خواهد سهمی در تداوم راه مزاری و بنابراین گسترش عدالت داشته باشد، باید هم از لحاظ علمی و فنی و هم از حیث معنوی و اخلاقی صلاحیت‌های لازم را کسب کنند. امروز در این دو زمینه مشکلات بسیار داریم، در نتیجه از راه مزاری تا حدی فاصله گرفته‌ایم. فکر عمومی این است که مبارزه برای عدالت پایان یافته است و اکنون زمان برخورداری از مواهب این مبارزات است. در ترویج این فکر غلط همه مقصر هستیم؛ اما به خصوص رفتار قشر سیاسی بیشتر سبب ترویج آن شده است. رهروان صادق راه مزاری باید بدانند که مبارزه برای عدالت هنوز مراحل دشواری را پیش رو دارند و حزم، دقت، صبوری و مهارت بسیار لازم دارد.

به تناسب «شعاع وجودی» شان در ساختار سیاسی حرف می‌زد به نحوی ناظر بر همین حق شهروندی همهٔ ساکنان افغانستان است؛ اما میکانیزم اجرایی مشارکت سیاسی انتخابات است که که نظریهٔ هر شهروند یک رأی را عملاً به منصفه اجرا می‌گذارد. آقای مزاری بر انتخابات تأکید بسیار خاص داشت و جز محدود ندهای جهادی در افغانستان است که از حق رأی زنان و سیستم حزبی دفاع جدی کرده است. بنابراین، شایسته‌سالاری، عدالت و حق انتخاب می‌تواند الگوی مشارکت سیاسی مورد نظر شهید وحدت ملی را روشن کند.

### پنجاه و نهمین: نمودهای کثرت‌گرایی سیاسی در اندیشهٔ شهید مزاری را بیان دارید؟

علی امیری: توجه به سیستم حزبی، توجه به حق رأی برابر شهروندان، تأکید بر حقوق زنان و سهم‌گیری به تناسب نفوس یعنی به رسمیت شناختن حق فرد، تناوب تصدی مسئولیت‌های سیاسی، تأکید بر رقابت و شایسته‌سالاری برجسته‌ترین نمودهای احترام و توجه به تکثر در نگاه شهید وحدت ملی است.

### پنجاه و نهمین: کثرت‌گرایی قومی با توجه به منازعات و مشکلات جاری در دوران شهید مزاری؛ چه جایگاهی در اندیشهٔ او داشت؟

علی امیری: مزاری ریشهٔ بحران افغانستان را تضاد میان واقعیت اجتماعی و واقعیت سیاسی می‌دید. ما به لحاظ اجتماعی جامعه متکثر بوده‌ایم و اقوام مختلف و متعدد در افغانستان زندگی می‌کنند. اصلاً افغانستان سرزمین اقلیت‌ها و

اقوام است. هیچ گروه قومی در افغانستان اکثریت نیست؛ اما بر خلاف این واقعیت متکثر اجتماعی و قومی در افغانستان، واقعیت سیاسی ما تک قومی، تک صدایی و انحصاری بود. این امر سبب بحران شده بود. دولت قومی و انحصارگرا سبب انحطاط فرهنگی و اجتماعی افغانستان نیز شده بود و مشکلات امروز ریشه در حاکمیت دیرپای یک چنین سیستم سیاسی غیر عادلانه

مشارکت سیاسی در مقام نظر  
مبنتی بر حق شهروندی است و  
این که استاد مزاری از مشارکت  
مردم به تناسب «شعاع  
وجودی» شان در ساختار  
سیاسی حرف می‌زد به نحوی  
ناظر بر همین حق شهروندی  
همهٔ ساکنان افغانستان است.